

# ساعت لیوانی



وسایل لازم: لیوان کاغذی، قیچی، ماژیک، میخ ریز، چسب حرارتی

۱. لیوان کاغذی را مثل شکل برش می‌دهیم.

۲. با ماژیک عددهای ساعت را می‌نویسیم و نقطه‌ی وسط را مشخص می‌کنیم.

۳. با کاغذ رنگی عقربه‌های کوچک و بزرگ را در دو رنگ برش می‌زنیم.

۴. انتهای عقربه‌ها را در وسط ساعت با یک میخ خیلی ریز یا پونز محکم می‌کنیم. پشت میخ کمی چسب حرارتی می‌زنیم. (به کمک یک بزرگ‌تر)

۵. بند ساعت را مانند شکل برش می‌زنیم و داخل هم چفت می‌کنیم.

کاردستی قشنگ ما آماده است.

حالا بگویید ساعت چند است؟



- آمنه شکاری
- عکاس: اعظم لاریجانی



● مریم سعیدخواه

## لبخند خدا

نویسنده و تصویرگر: کلر ژوبرت  
انتشارات: داستان جمعه  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۹۵۱۱



عنکبوت کوچولو فقط  
به آسمان نگاه می‌کند.  
زوزون می‌پرسد:  
«تو چرا ساکتی، بهار  
را دوست نداری؟»  
عنکبوت جواب می‌دهد:

«بهار را دوست دارم و منتظر لبخند خدا هستم...»

یعنی بالاخره آن را می‌بیند؟

کتاب لبخند خدا یکی از قصه‌های مجموعه‌ی ریزه‌میزه است که می‌توانی آن را بخوانی و برای دوستانت تعریف کنی. «کیسه‌ی شادی، لبخند گم‌شده و قطره‌های ریزریز» هم از کتاب‌های دیگر این مجموعه است.

## زنبره، کجا؟ کجا؟



نویسنده: زهره پریرخ  
تصویرگر: سمانه قاسمی  
انتشارات: توت  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۹۹۳۴۶

جوجه بازی می‌کرد که

بیزبیز زنبر فسقلی دور و  
برش پیدا شد. جوجه فریاد کشید: «جیک جیک جیکا! زنبره  
کجا؟ کجا؟»

زنبر فسقلی گفت: «بیزبیز بگذار یک جایی قائم  
باشوم! روی نوکت، زیر نوکت...»  
موضوع این کتاب درباره‌ی زنبروری است که

